

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۷/۱۰/۱۱۰۸
۸۷/۱۰/۸



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

مقدمه، تصحیح و تحشیه
مثنوی سلیمان و بلقیس و دیوان حیاتی گیلانی

استادان راهنما:

دکتر سیدمهدی نوریان
دکتر علی اصغر باباصفری

استاد مشاور:

دکتر محمود براتی

پژوهشگر:

یوسف اسماعیل‌زاده

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

شهریور ۱۳۸۷

۱۰۶۶۰۲

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

پژوه نگارش پایان نامه
رعایت شده است
تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان



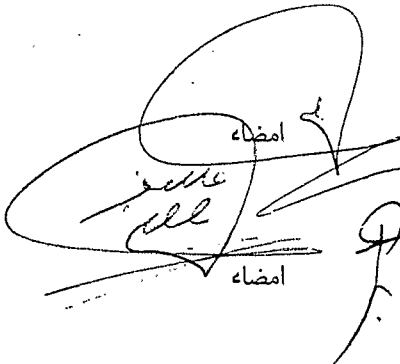
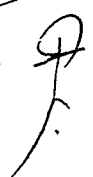
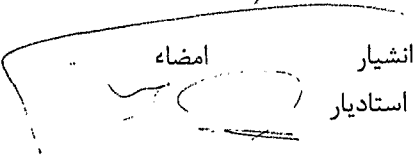
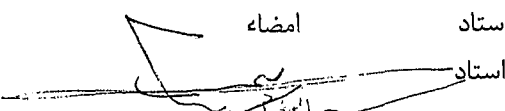
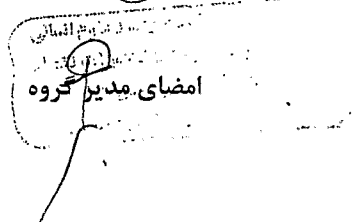
دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی آقای یوسف اسماعیل زاده

تحت عنوان

مقدمه ، تصحیح و تحشیهٔ مثنوی سلیمان و بلقیس و دیوان حیاتی گیلانی

در تاریخ ۸۷/۶/۱۸ توسط هیات داوران بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب رسید.

 امضاء	با مرتبه علمی استاد استادیار	دکتر سیدمهدی نوریان دکتر علی اصغر باباصفری	۱- استاد راهنمای پایان نامه
 امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر محمود براتی	۲- استاد مشاور پایان نامه
 امضاء	با مرتبه علمی دانشیار استادیار	دکتر اسحاق طغیانی دکتر غلامحسین شریفی	۳- استاد داور داخل گروه
 امضاء	با مرتبه علمی استاد استاد	دکتر سیروس شمیسا دکتر اصغر دادبه	۴- استاد داور خارج از گروه
 امضای مدیر گروه			

چکیده

دوران حکومت گورکانیان از دوره های پر بار برای زبان و ادب فارسی است. پادشاهان و شاهزادگان ادب دوست این سلسله، یکی از دلایل تأثیر گذار مهاجرت شاعران ایرانی به هند بودند. کمال الدین حیاتی گیلانی از شاعران اواخر قرن ده و اوایل قرن یازدهم هجری، یکی از خیل شاعران راهی هند بود. او در جوانی به تجارت می پرداخت. در هند به پایمردی حکیم ابو الفتح گیلانی به در بار اکثر امرا راه یافت و منظور نظر آنان گردید. حیاتی از شاعران متمم بود. به منصب هزاری دست یافت. سر انجام در ۱۰۲۸ ق درگذشت.

تذکره نویسان سه اثر از حیاتی گیلانی ذکر کرده اند. نخست دیوان اشعار که بنا به گفته اکثر تذکره نویسان هفت هزار بیت بوده است. آن چه که امروزه در دست است کمتر از این مقدار می باشد. دیوان او شامل قصاید، غزلیات، قطعات، ترکیب بند، رباعیات و مثنوی است. حیاتی شاعری است غزل سرا، اما در دیوان او قصایدی در مدح پیامبر اکرم (ص) جلال الدین اکبر شاه، نور الدین جهانگیر، عبد الرحیم خان خانان و ابو الفتح گیلانی دیده می شود. کامل ترین نسخه دیوان شاعر در کتابخانه ملک نگهداری می شود. نسخه دیگری در هند موجود است. اثر دیگر حیاتی، ضمیمه تعلق نامه امیر خسرو دهلوی است که به دستور جهانگیر به نظم کشید و به پادشاه آن، جهانگیر او را به زر سنجید. برخی به اشتباه این ضمیمه را به حیاتی کاشی منسوب کرده اند. مثنوی سلیمان و بلقیس، اثر دیگر حیاتی گیلانی است که آن را در در بحر هزج و در ۳۱۴۸ بیت به نام جهانگیر سروده است. نسخه ای از این مثنوی در کتابخانه ملک موجود است که آغاز آن افتادگی دارد و از "قسمت مهمانی کردن سلیمان موجودات را" شروع می شود. حیاتی در این مثنوی سعی کرده است که از اسرائیلیات استفاده ننماید. بنا بر این مثنوی او خالی از خرافاتی است که در کتب قصص دیده می شود. نکته دیگر این که حیاتی در سرایش سلیمان و بلقیس از منابع متعدد استفاده نموده است. پاره ای از اطلاعات موجود در مثنوی حیاتی در کتب قصص الانبیاء و تاریخ و تفسیر دیده نمی شود. شاید از کتبی بهره برده است که امروزه ما بدانها دسترسی نداریم و یا از داستانهایی که در باره سلیمان در بین مردم مشهور بود تأثیر پذیرفته است. علاوه بر این آثار، باید از نامه های حیاتی و نوشته های مثنوی او نام برد. که به دوستان و آشنایان خود نوشته است. سر نوشته های مثنوی سلیمان و بلقیس و ضمیمه تعلق نامه نیز احتمالاً از حیاتی است.

این رساله کوششی است در جهت شناسا نندن زوایای گوناگون زندگی و آثار شاعر. در مقدمه مفصل رساله تلاش شده است که جوانب مختلف زندگی، احوال و آثار شاعر کاویده شود. همچنین مثنوی سلیمان و بلقیس با کتب قصص الانبیاء، تاریخ و تفاسیر تطبیق داده شده است. سپس متن مصححی از دیوان و منظومه سلیمان و بلقیس ارائه گردیده، پس از آن مقداری از اشعار حیاتی که در دیوان وی موجود نیست، از منابع دیگر نقل گردیده است. شرح مختصر نسخه بدل ها، تعلیقات، فهرس از دیگر بخش های این رساله می باشد.

کلید واژه: ادبیات دوره گورکانی، حیاتی گیلانی، دیوان، مثنوی سلیمان و بلقیس.

کوته نوشت ها

آ: آندراج

ث: مآثر رحیمی

ج: جلد

جع: مجمع الافکار

خ: خلاصه الاشعار

د: دیوان

ر: ریاض الشعراء

ر.ک: رجوع کنید

رق: رقصات ابو الفتح گیلانی

س: سلیمان و بلقیس

ش: شمسی

ص: قصیده

صا: سفینه صائب

ض: ضمیمه تغلق نامه

ط: قطعات

طب: طبقات اکبری

ع: عرفات العاشقین

غ: غزل

ف: وفات

ق: قمری

گک: برگک

م: میلادی

مچ: مجالس جهانگیری

مص: مصطلحات الشعراء

من: منتخب التواریخ

ن: نسخه خطی ملک

ه: هجری

هف: هفت اقلیم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳-۱	مقدمه
	الف:
	پادشاهان گورکانی
الف	ظهیر الدین محمد بابر
الف	نصیر الدین همایون
الف	جلال الدین اکبر
ب	الف: دین الهی
ب	ب: اقرار نامه دین الهی
ت	ج: شعر ملا شیری
ت	نور الدین محمد جهانگیر
ث	شاهجهان
ث	داراشکوه
ث	اورنگ زیب
	ب:
ج	گیلانیان در هند
	حیاتی گیلانی
ج	نام و نشان
ح	اخلاق
خ	حیاتی کاشی
خ	گناه شاعر
د	مقام حیاتی در دربار
د-د	حضور در جنگ ها
ذ	ارتباط با دیگر شعرا
ذ-ر	به زر سنجیدن حیاتی
ز	شعر رسمی قلندر
س	مرگ شاعر
	ج:
	حیاتی در تذکره ها
ش	الف: خلاصه الاشعار

- ب: عرفات العاشقين..... ش - ص
- ج: هفت اقلیم..... ص
- د: طبقات اکبری..... ص
- ه: منتخب التواریخ..... ص
- ز: آیین اکبری..... ص
- ح: مآثر رحیمی:..... ص - ض
- ط: میخانه..... ض - ط
- ی: منتخب اللطایف..... ط
- ک: نتایج الافکار..... ط
- ل: ریاض الشعراء..... ط
- م: تذکره نصر آبادی..... ط
- س: تذکره خیر البیان..... ط - ظ
- ن: تذکره الشعراء مطربی..... ظ
- ع: ریاض العارفين..... ظ

د:

ممدوحان

- اکبر..... ع
- عبد الرحیم خان خانان..... ع
- الف: فرزندان..... ع - غ
- ب: آثار..... غ
- ج: شعر..... ع - ف
- کامران خان خانان..... ف
- شاهزاده دانیال..... ف
- جهانگیر..... ف
- حکیم ابو الفتح گیلانی..... ف - ک
- ب: آثار..... ک

ه:

آثار حیاتی

- ضمیمه تغلق نامه..... م
- نامه ها..... ن
- دیوان..... و

الف: نسخه ها ی

ب: کتابخانه ملک ی

ج: آزاد بهون آ

و:

ملاحظات انتقادی ب ب

ز:

ویژگی های سبکی ث ث

رسم الخط نسخه ج ج

ح:

شعر حیاتی

قوالب شعری ح ح

اشعار ناتمام خ خ

نشانه های سبک هندی خ خ

غزل مدحی خ خ

تفکر خیامی خ خ

سوگ سرود د د

هجو در قالب غزل ذ ذ

انتقاد از وضع شعر و شاعری ذ ذ

دزدی از اشعار حیاتی ر ر

نقادی حیاتی ز ز

نقد جهانگیر بر شعر حیاتی ز ز

نقد ابو الفتح بر شعر حیاتی ز ز

نامه های ابو الفتح به حیاتی س س

طرز ابو الفتحی ، مکتب ابو الفتح خانی ش ش

تجدید مطلع ش ش

ط:

تضمین ها و اقتفا

الف: قصاید ض ض

ب: غزلیات ظ ظ

ی:

ساقی نامه

ساقی نامه در ضمیمه تعلق نامه ق ق

ک:

شعر حیاتی در فرهنگ ها

الف: فرهنگ آندراج ه ه

ب: فرهنگ جهانگیری ت ت ت

ج: فرهنگ مصطلحات الشعرا و و

د: فرهنگ بهار عجم ت ت ت

ه: فرهنگ مترادفات واصطلاحات ت ت ت

و: لغت نامه ت ت ت

ز: غزالان الهند ت ت ت

ح: جواب شافی ت ت ت

ل:

تلمیحات ث ث ث

م:

سلیمان و بلقیس

داستان سلیمان در قرآن کریم ح ح ح

خلاصه مثنوی سلیمان و بلقیس به نثر ذ ذ ذ

خلاصه سلیمان نامه زلالی خوانساری ز ز ز

کنایات و استعارات س س س

ن:

ساختار منظومه سلیمان و بلقیس حیاتی گیلانی در مقایسه با خسرو و شیرین

الف: آغاز عشق ش ش ش

ب: وصف متعلقات معشوق (شبدیز شیرین - تخت بلقیس) ش ش ش

ج: واسطه ها ش ش ش

د: فرستادن نامه ص ص ص

ه: آزمایش ص ص ص

ز: داستان در داستان ض ض ض

ح: مناجات ض ض ض

ط: اندرز به فرزند ض ض ض

ی: سفر.....ض ض ض

ک: سرانجام داستان.....ض ض ض

ل: شخصیت های داستانی.....ض ض ض

س:

تطبیق مثنوی سلیمان و بلقیس با کتب قصص الانبیاء، تاریخ و تفسیر

ضیافت سلیمان.....ظ ظ ظ

وادی نمل.....غ غ غ

هدهد.....ف ف ف

آزمودن سلیمان توسط بلقیس.....ق ق ق

نامه سلیمان به بلقیس.....ک ک ک

مرگ سلیمان.....ک ک ک

شیوه تصحیح و مراحل آن.....ن ن ن

ع:

فرجام سخن.....ن ن ن

ف:

پی نوشت.....هدهد

ص:

جداول و نمودار

جدول ابیات مشترک دو ساقی نامه.....س س س

جدول بسامدی قوالب شعری دیوان.....ش ش ش

شجره نامه سلسله گورکانی.....ص ص ص

ق:

شکل ها

نسخه خطی ملک.....ض ض ض

جلال الدین اکبر.....ط ط ط

نورجهان همسر جهانگیر.....ظ ظ ظ

نور الدین جهانگیر.....ع ع ع

مقبره جهانگیر.....غ غ غ

بیرام خان خانان.....ف ف ف

همایون.....ق ق ق

متن اشعار

۱	قصاید
۴۸	غزلیات
۲۱۸	ترکیب بند
۲۲۳	قطعات
۲۲۸	مثنوی های کوتاه
۲۳۰	رباعیات
۲۳۲	بر افزوده ها
۲۳۹	سلیمان و بلقیس
۳۵۹	نسخه بدل ها
۳۶۱	تعلیقات
۴۰۵	فهرست ها
۴۰۶	فهرست شواهد شعری تعلیقات
۴۰۸	فهرست اعلام و اشخاص
۴۱۴	فهرست جای ها (شهرها، کشورها، دریاها، کوهها)
۴۱۶	فهرست جانداران (پرندهگان، جانوران، خشرات)
۴۱۸	فهرست مشاغل و حرفه ها
۴۱۹	فهرست سلاح ها و ابزار
۴۲۰	فهرست گلها، گیاهان و درختان
۴۲۱	راهنمای تعلیقات
۴۲۵	مآخذ

چکیده انگلیسی

مقدمه

عهد صفویه اگرچه به گونه ای نسبی با توفیقات نظامی و سیاسی همراه بود و این امر، موجب وحدت ملی گردید، اما از نظر ادبی و فکری تنزل پیدا کرد. مقارن با حکومت صفویه در ایران، دولت گورکانی در هند در رأس قدرت قرار داشت. هرچه حکومت صفویان رو به انحطاط می‌رفت و حاکمانش روز به روز بی کفایت تر می‌شدند؛ دولت گورکانیان یا مغولان هند رو به ترقی بود. این روزگار، یکی از دوران های مهم و تأثیر گذار و از پر بارترین اعصار، از حیث توجه و عنایت پادشاهان و امرا به اهل ادب و فضل است. شهر های عمده هند، در دوران گورکانیان، جولانگاه فرهنگ و ادب ایرانی بود. در آن زمان که پادشاهان صفوی به ترکی سخن می‌گفتند و شعر می‌سرودند و بیشتر مشاغل لشکری و کشوری اسم های ترکی داشتند (نظیر ایل بیگی، بیگلر بیگی، قورچی باشی، ایشیک آقاسی و ...) در هند، فارسی مرسوم و متداول بود و شاهان گورکانی، شاعران و ادبا را به فارسی گفتن بر می‌انگیختند. بسیاری از القاب در دربار گورکانی به فارسی بود. (مانند میر جمله، بخشی، هزاری، خان خانان)

اهمیت دوره گورکانی در احیاء و ترویج زبان فارسی به حدی است که برخی محققان معتقدند که "یکی از بهترین دوره های ترویج زبان و شعر فارسی در سرزمین هند و عهد تشویق و ترغیب مؤلفان و نویسندگان و شاعران پارسی گوی است و دیگر نظیر نخواهد یافت." (صفا، ۱۳۶۸: ۴۵۰) البته در دوره صفویه نیز توجه اندکی به شعرا می‌شد اما این حمایت سلاطین صفوی در آن حد نبود که بتواند از مهاجرت شاعران، نویسندگان و دانشمندان جلوگیری نماید. در مهاجرت ایرانیان به هند دلایلی چند مؤثر بود. سخت گیری مذهبی پادشاهان صفوی، تلاش امرای ایرانی - که در دربار سلاطین هند بودند - در جهت جذب شاعران و هنرمندان ایرانی، قتل شاهزادگان صفوی که حامی شاعران بودند، ناخرسندی شاعران و هنرمندان از تهمت های بد مذهبی، کسب تقرب، مقام و ثروت و وجود پادشاهان شاعر، اهل فضل و ادب دوست در سرزمین هند برخی از مهمترین دلایل سفر ایرانیان به هند بود. در این میان به مشاجرات بین علمای دینی و شاعران هم باید توجه کرد. (طغیانی، ۱۳۸۵: ۶۳) دکتر صفا، نهضت دوران گورکانیان در هند را نجات بخش واقعی شعر و ادب فارسی از انحطاط آن دوره می‌داند. حتی بر این عقیده است که "نگرش خاص شاه عباس به شاعران پارسی گو و تشویق هایی که از آنها می‌کرد از باب تشبه به جلال الدین اکبر و دربار ادب گستر او بود و پس از مرگ او کمتر دنبال شد." (صفا، ۱۳۶۸: ۴۵۰)

از رویداد های مهم زمان شاه تهماسب، پناه آوردن همایون - پادشاه هند - به ایران در سال ۹۵۱ ق. بود. وی پسر ظهیر الدین بابر بنیان گذار سلسله گورکانیان هند است. "همایون در مدت اقامت خود در ایران با بعضی

از اهل شعر و ادب و هنر آشنا شد و جمعی از آنان را به همراه خود به هندوستان برد و نیز از گروهی خواست تا بعد از بازگشت و استقرارش در ملک به نزد او بروند و این امر موجب شد که ادب و هنر ایرانی پناهگاهی نو در سرزمین هند فراهم آورد. (همان: ۱۳-۱۴)

اگر با دیدی منصفانه به ادبیات دوره صفویه بنگریم، این دوره را فقط یک روزگار منحط نمی یابیم. همان توجه اندکی که به شعر و شاعران آن دوره گردید، سبب گردید که چراغ ادبیات رو به خاموشی نرود. سخن در باره ادبیات دوره صفوی و گورکانی بسیار است. ما در این رساله به سبب حضور حیاتی گیلانی در دربار گورکانیان - بیشتر به ادب عصر گورکانی پرداخته ایم. مقدمه این رساله، فصل های زیر را در بر دارد:

- ۱- در بخش الف، به معرفی پادشاهان گورکانی پرداخته شده و در ضمن، به آثارشان و به نحوه برخورد آنان با ادبا و شاعران اشاره شده است.
- ۲- در بخش ب، ضمن توضیح مختصری در باره گیلانیان سفر کرده به هند، به معرفی حیاتی از ولادت تا وفات پرداخته شده است. در این قسمت، سعی گردیده است تا هر آنچه که مربوط به زندگی حیاتی گیلانی است بررسی و تحلیل شود.
- ۳- در قسمت ج، به مهمترین تذکره هایی که از حیاتی یاد کرده اند، اشاره شده و مطالب آن ها نقل گردیده است.
- ۴- در بخش د، به معرفی ممدوحان شاعر، آثارشان و نقش آنان در ترقی شاعران پرداخته شده است.
- ۵- بخش ه، در این قسمت، آثار شاعر و نسخه های آن معرفی شده است. در باره مثنوی سلیمان و بلقیس به صورت جداگانه ای در بخش م، بحث شده است.
- ۶- بخش و، در این قسمت به مواردی اشاره شده است که در متن اشعار به صورت نادرست آمده و صورت صحیح آن حدس زده شده است.
- ۷- بخش ز، این قسمت شامل بحث در باره ویژگی های سبکی و رسم الخط نسخه است.
- ۸- بخش ح، در این بخش، اشعار حیاتی بررسی شده و محتوا و انواع آن بیان گردیده است.
- ۹- بخش ط، این بخش به بررسی و بیان اقتفاها و همانندی های اشعار حیاتی و دیگر شاعران می پردازد.
- ۱۰- بخش ی، در این بخش ضمن توضیح مختصری در باره پیشینه ساقی نامه سرایی، ابیاتی از ساقی نامه حیاتی که در تذکره میخانه نیامده است، نقل شده است.
- ۱۱- بخش ک، این بخش شامل ابیاتی از حیاتی است که در فرهنگ ها و دیگر کتب آمده است.
- ۱۲- بخش ل، در این بخش به اشارات و تلمیحاتی اشاره شده است که در شعر حیاتی دیده می شود.
- ۱۳- بخش م، در این قسمت به مثنوی سلیمان و بلقیس حیاتی پرداخته شده و به داستان سلیمان در قرآن اشاره شده است. ضمناً خلاصه مثنوی حیاتی و زلالی خوانساری به نثر آمده است.
- ۱۴- بخش ن، در این قسمت مقایسه ای از لحاظ ساختاری بین مثنوی سلیمان و بلقیس حیاتی و خسرو و شیرین نظامی، صورت گرفته است.

- ۱۵- بخش س ، این قسمت مقایسه سلیمان و بلقیس حیاتی را با کتب قصص الانبیاء، تاریخ و تفسیر ، در بر دارد و وجوه تشابه و تفریق بین آن ها ، نمایانده شده است .
- ۱۶- بخش ع ، این بخش شامل سپاسگزاری از کسانی است که مرا در تهیه این رساله یاری رسان بوده اند .
- ۱۷- بخش ف ، در این قسمت ف جداولی از مقایسه ابیات مشترک دو ساقی نامه حیاتی ، قوالب شعری دیوان و شجره نامه خاندان گورکانی آمده است .
- ۱۸- بخش ص ، این قسمت در بر دارنده تصاویری از نسخه خطی دیوان حیاتی و پادشاهان گورکانی است .

الف

پادشاهان گورکانی

پادشاهان گورکانی، خود، اغلب شاعر، نویسنده و علاقه مند به هنر و ادب بودند. در اکثر کتاب های آن دوره، به ادب دوستی و فرهنگ پروری شاهان گورکانی اشاره شده و نمونه هایی نیز بیان گردیده است. ایات فراوانی از آنان در تذکره ها، نقل شده است. در عصر حاضر دیوان برخی از آن ها چاپ شده است. از آن جایی که پادشاهان گورکانی و امرای زیر دست آنان [خود از قبیله فضل و ادب بودند، اهتمام آنان به رعایت حال شاعران و نویسندگان از صمیم جان و از شوق علاقه به زبان و ادب فارسی بوده است. در این مجال به معرفی مهمترین پادشاهان این سلسله می پردازیم:

۱- ظهیر الدین محمد بابر (ف ۹۳۷ ق.)

او مؤسس و اولین پادشاه سلسله گورکانیان است. سلسله نسبش با پنج واسطه به امیر تیمور گورکانی می رسد. (علمی، ج ۱، ۱۳۷۲: ۲۸۶) به همین دلیل سلسله مغولان هند را گورکانیان یا تیموریان هند هم گفته اند. بابر پادشاهی دلیر و دوستدار دانش بود. و عالمان را بسیار اکرام می کرد. او از پرداختن به کارهای علمی و ادبی غافل نبود و "خود طبع شعر داشته و شعر هموار می گفته." (احمد رازی، ج ۱: ۴۲۶ - ۴۲۷). از تألیفات او می توان رساله در عروض (ترکی)، مبین (در بعضی مسایل فقه حنفی)، رساله والدیه (ترجمه ترکی رساله والدیه خواجه عبدالله احرار)، تاریخ و وقایع احوال خود (واقعات بابری) و دیوان (ترکی و فارسی) را نام برد. (فخری هروی، ۱۳۴۵: ۱۵۲) دیوان مختصر ترکی و فارسی او در بنگاله و تاشکند، به سال های ۱۹۱۰ و ۱۹۶۶ م. منتشر شده است. (امیری، ۱۳۷۴: ۳۰)

۲- نصیر الدین همایون (۹۳۷-۹۶۳ ق.)

بیشتر اوقات او، صرف جنگ با دشمنانش شد، حتی مجبور شد برای مدتی از هندوستان خارج گردد و به ایران پناهنده شود. شاه طهماسب به گرمی از او استقبال کرد و همایون توانست دوباره بر حکومت هند دست یابد ولی بعد از شش ماه درگذشت. او در بازگشت از ایران تعداد بسیاری از ادبا و هنر مندان را با خود به هند برد. او در شعر همایون تخلص می کرد و دیوان وی در کتابخانه اکبر پادشاه موجود بود. امین احمد رازی سه رباعی از او نقل کرده است. (احمد رازی، ج ۱: ۴۳۴ - ۴۳۶). مجموعه دیوانش به چاپ رسیده است. پسران دیگر بابر: میرزا کامران (ف ۹۶۴ ق.)، میرزا عسکری (ف ۹۶۱ ق.) و میرزا هندال (ف ۹۵۸ ق.) هر سه شاعر بودند. و اشعاری از آنها در تذکره ها، جنگ ها و تواریخ آمده است. (فخری هروی، ۱۳۴۵: ۵۵ و ۵۹؛ نثاری بخاری، ۱۳۷۷: ۴۷ - ۶۲) دیوان میرزا کامران، در کلکته چاپ شده است. (امیری، ۱۳۷۴: ۳۴)

۳- جلال الدین اکبر پادشاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ ق.)

بعد از مرگ همایون، پسر چهار ده ساله اش - جلال الدین اکبر - به سلطنت رسید. مادر اکبر - حمیده بانو بیگم - ایرانی بود. اکبر در ۹۴۹ ق. در امرکوت به دنیا آمد. او مشهورترین و مقتدرترین پادشاه گورکانی است و دوران حکومت او عصر طلایی گورکانیان به حساب می آید. اکبر پس از رسیدن به پادشاهی، بیرم خان - پدر عبدالرحیم

خان خانان - را به وزارت اعظمی و نیابت سلطنت انتخاب نمود. دکتر صفا در مورد توجّه اکبر به ادب فارسی می‌نویسد: "اودر مرتبه ای از ترویج شعر پارسی و پرورش شاعران است که هیچ کس از شاهان ایران و هند و متسبب به فرهنگ ایرانی بدان نرسیده است." (صفا، ج ۵، ۱۳۶۸: ۴۵۴). جلال الدین اکبر، سمت ملک الشعرا بی ۳ را در دربار خود به وجود آورد، راتبه ای برای شعرا ترتیب داد و غده ای را مأمور کرد که کتابهایی به زبان پارسی تألیف و یا از هندی به پارسی ترجمه کنند. اکبر تحصیلات عالی نداشت. برخی او را بی سواد هم نوشته اند اما شیفته علم و هنر بود. جهانگیر درباره پدرش می‌نویسد: " پدر من در اکثر اوقات با دانایان هر دین و مذهب صحبت می‌داشتند خصوصاً با پندتان و دانشوران هند. با آن که امی بودند از کثرت مجالست با دانایان و افاضل در گفتگوها چنان ظاهر می‌شدند که هیچ کس پی به امی بودن ایشان نمی‌برد و در دقایق نظم و نثر چنان می‌رسیدند که مافوق بر آن متصور نبود." (جهانگیر گور کانی، ۱۳۵۹: ۱۹-۲۰). دیگران برای او کتاب می‌خواندند. ابوالفضل علمای در آئین اکبری فهرستی از آن کتاب‌ها راتپه کرده است. کتابخانه بزرگ اکبر پادشاه در فتح پور، بیست و چهار هزار نسخه خطی داشت. (همان: ۱۹).

جلال الدین اکبر، یک سیاستمدار و مصلح بود. در هنگام مرگ، قلمرو مملکتش از قندهار در مغرب تا داکا در مشرق و از سری نگر در شمال تا احمد نگر در جنوب امتداد داشت. در سراسر این مرز و بوم، امنیت کامل حکمفرما بود. این امر ناشی از سیاست‌های مدبرانه اکبر و بهره‌گیری وی از مشاورانی نظیر حکیم ابوالفتح گیلانی و عبد الرحیم خان خانان بود. اکبر بعد از ۵۱ سال حکومت، در ۱۳ جمادی الثانی ۱۰۱۴ ق / ۱۶۰۵ م درگذشت. او قبل از مرگش، جهانگیر - یگانه فرزند خود - را جانشین قرار داد.

الف: دین الهی

جلال الدین اکبر، بر خلاف پادشاهان صفوی، از تعصب بر کنار بود. او در امور مذهبی، پادشاهی آسان‌گیر بود و با اهل ادیان دیگر به ملاحظت و تسامح رفتار می‌کرد. شاید یکی از دلایل موفقیت او در حکومت، همین امر بود. در سال ۹۹۶ ق. برای نزدیک کردن مردم هند با یکدیگر و از بین بردن اختلافات فرق مختلف، دین الهی را به وجود آورد. هیئت هجده نفره ای در شکل‌گیری دین الهی نقش داشتند. اکبر این دین را به راهنمایی برخی از وزرای خود نظیر ملا احمد توی، شیخ مبارک ناگوری و دو فرزندش: ابو الفیض و ابو الفضل ایجاد کرد. اکبر قانون جزیه را از هندوان برداشت، مسلمانان و هندوان را برابر دانست و آزار بر حیوانات و کشتن گاو را نیز ممنوع کرد. هدف اصلی اکبر، ایجاد صلح بین همه مردم هند بود.

بدائونی در منتخب التواریخ، مطالبی در باره کارهای اکبر آورده است که البته خالی از بغض نیست؛ اما ذکر آن، دور از فایده‌ی هم نیست. او درباره کارهای اکبر - که از آن تعبیر به بدعت می‌کند - می‌نویسد: "سجده به عبادت زمین بوس پادشاهان لازم است، دیگر شراب اگر به طریق اهل حکمت بخورند و فتنه و فسادی از آن نزیاید مباح باشد به خلاف مستی مفرط." (بدائونی، ج ۲، ۱۳۸۰: ۲۱۰-۲۱۱) او همچنین اشاره می‌کند که در دربار، دکان شراب فروشی بر پا شده بود که هر که برای علاج بیماری بدان نیاز داشته باشد، نام خود و پدر خود را به مشرف بگوید آنگاه شراب ببرد. (همان: ۲۱۲) کار دیگر اکبر، سامان دهی فواحش بود که در آن زمان تعدادشان افزایش پیدا کرده بود. اکبر آنان را در بیرون شهر جای داد و بر ایشان دازوغه ای گماشت تا "هر کس که با آنان

صحبت می دارد اوّل باید نام خود و نسبش را بنویسد. " (همان : ۲۱۱) از موارد دیگری که در دین الهی اکبر آمده بود، ساقط شدن غسل جنابت، ممنوع بودن نکاح دختر عم و خال و فامیل نزدیک، تغییر تاریخ هجری عربی به سال جلوس اکبر (۹۶۳ ق.) و عیب شمردن عربی خواندن و عربی نوشتن بود. (همان: ۲۱۳-۲۱۴)

ب: اقرار نامه دین الهی

هر کس که وارد دین الهی اکبر می شد موظف بود که اقرار نامه ای بدین شرح را امضا کند و بدان متعهد باشد:

" من که فلان بن فلان باشم به طوع و شوق قلبی از دین اسلام مجازی و تقلیدی که از پدران دیده و شنیده بودم، تبراً نمودم و در دین الهی اکبر شاهی در آمدم و مراتب چهار گانه اخلاص [را] که ترک مال و جان، ناموس و دین باشد قبول دارم." (همان: ۲۱۲)

ج: شعر ملا شیری

علی رغم آیینی که اکبر وضع کرد، هیچ گاه ادعای نبوت و پیامبری ننمود. بیشتر اقدامات او، جنبه اصلاحات اجتماعی داشت. ملا شیری ابیاتی در باب دین الهی اکبر سروده که در آن ذکر نموده پادشاه دعوی نبوت کرده است:

تا بزاید هر زمان کشور بر اند از آفتی	فتنه در کوی حوادث کدخدا خواهد شدن
با عقاب قرض خواه تیغ در ارباب شرک	بار سر از ذمه گردن ادا خواهد شدن
فیلسوف کذب را خواهد گریبان پاره شد	خرقه پوش زهد را تقوی روا خواهد شدن
شورش مغز است اگر در خاطر آرد جاهلی	کز خلائق بهر پیغمبر جدا خواهد شدن
خنده می آید مرا زین بیت بس کز طرفگی	نقل بزم منعم و ورد گدا خواهد شدن
پادشاه امسال دعوی نبوت کرده است	گرخدا خواهد پس از سالی خدا خواهد شدن

(بدائونی، ج ۲، ۱۳۸۰: ۲۱۵) ۴

۴- نور الدین محمد جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق.)

نام اصلی او سلیم است. در هفدهم ربیع الاول ولادت یافت. مادرش که در هندوستان "مریم زمانی" لقب داشت، دختر راجه بهار امل حاکم جی پور بود. او تحت نظر استادان بزرگ آن زمان مانند: مولانا میر کلان هروی، ملک الشعرا فیضی، عبد الرحیم خان خانان، مولانا احمد علی و صدر جهان تعلیم یافت. در علم و ادب به ویژه در نجوم، طبیعیات و خطاطی مهارت یافت. زبان های عربی، ترکی، فارسی و زبان محلی را به خوبی می دانست. او چند بار ازدواج کرد. مهمترین ازدواج او با نور جهان بیگم، دختر غیاث بیگم تهرانی، بود که در ۱۰۲۰ اتفاق افتاد. غیاث الدین منصور ریاضی - شاعر عهد جهانگیر - مثنوی "حسن جهانگیر" را در عشق جهانگیر و نور جهان بیگم در ۲۰۲۰ بیت به بحر هزج سروده است. (خیر اندیش، ۱۳۸۴: ۱۹۶)

جهانگیر مانند پدرش با پیروان مذاهب به مسالمت و تساهل رفتار می‌کرد. او در اواخر عمر بیشتر بیمار بود و اداره مملکت در دست نور جهان بیگم بود و امرای ایرانی در امور کشو نفوذ زیادی داشتند. پسران جهانگیر: سلطان خسرو (ف ۱۰۳۰ق.) و سلطان پرویز (ف ۱۰۳۶ق.) در زمان حیات او از دنیا رفتند و جهانگیر نیز در ۱۰۳۷ مرد. (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۵۰۷) مقبره وی در شاهدره در نزدیکی لاهور، در کنار رودخانه راوی و در نزدیکی مقبره نور جهان است.

جهانگیر نیز به شعر و ادب مایل بود. در مجالس جهانگیری، که شرح مجلس های شبانه دربار اوست، شمه ای از ذوق شعر شناسی، نقد شعر و برخی از اشعار جهانگیر با شأن سرودن آنها آمده است. (لاهوری، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۱۰۳؛ دلپت رای، ۱۳۸۵: ۳۱) جهانگیر، کتاب جهانگیر نامه یا تزک جهانگیری را نوشت. شعری چون: میرزا رستم صفوی، بابا طالب اصفهانی، طالب آملی، میرزا غیاث الدین تهرانی، حکیم رکنای کاشی، آصف خان قزوینی، حکیم فغفور گیلانی، ملا صوفی مازندرانی، فسونی یزدی، ضیاء الدین کاشانی، شاپور تهرانی، ملا مرشد بروجردی، آقا صفی اصفهانی و حسن بیگ خاکی شیرازی در دربار او به سر می‌بردند. ۵

۵- شهاب الدین محمد شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق.)

پسر و جانشین جهانگیر، به معماری و هنر های ظریف علاقمند بود. عمارت تاج محل، از شاهکار های معماری، در زمان او ساخته شد. در شعر و دانش، شاگرد قاسم بیگ تبریزی، حکیم دوایی گیلانی، شیخ ابو الخیر و وحید الدین گجراتی بود. (صفا، ج ۵، ۱۳۶۸: ۴۶۰)

۶- داراشکوه (ف ۹-۱۰۶۸ ق.)

نویسنده و شاعری فاضل و ادب پرور بود. به میرزا رضی دانش (ف ۱۰۶۷ق.) در پاداش بیٹی، هزار رویه بخشید. ۶ (همان: ۴۶۱) تصنیفات داراشکوه ازین قرار است: سفینه الا و لیا (احوال مشایخ و علما)، سکینه الا و لیا (شرح احوال ملا شاه بدخشی)، حق نما، سر اکبر (ترجمه از سانسکریت)، حسنات العارفین، مجمع البحرین، طریقه الحقیقه، بیاض داراشکوه، رساله سؤال و جواب داراشکوه و فتحعلی قلندر، مکاتیب، اکسیر اعظم (دیوان شاعر). بهگوت گیتا (ترجمه از سانسکریت)، تزک، رساله معارف و رموز تصوف نیز بدو منسوب است. دیوان داراشکوه، با مقدمه احمدنبی خان، به کوشش م. حیدریان در سال ۱۳۶۴ توسط انتشارات نوید مشهد چاپ شده است.

۷- اورنگ زیب عالمگیر پادشاه (۱۰۶۹-۱۱۱۸ ق.)

آخرین پادشاه بزرگ گورکانی هند بود. برادرش، داراشکوه، را از بین برد. سیاست دینی متعصبانه ای را در پیش گرفت. رفتاری شبیه شاه تهماسب، نسبت به شعراء داشت. (صفا، ۵/۱: ۴۶۲) نثر را خوب می‌نوشت. از علما و دانشمندان خصوصاً فقها حمایت می‌کرد. قرآن را از حفظ داشت و در خطاطی ماهر بود. ۷

ب

گیلانیان در هند

نزدیک به هشتصد نفر از شاعران و هنرمندان در دوران صفویه یعنی از ۹۰۷ ق. - پادشاهی شاه اسماعیل - تا ۱۱۰۵ ق. - پادشاهی سلطان حسین - از ایران به هندوستان رفته اند؛ که از این مقدار بیش از بیست تن گیلانی بودند.^۸ البته این افراد کسانی بودند که مشهور بودند و پسوند گیلانی یا لاهیجی داشتند. امکان دارد کسان دیگری از گیلان به هند رفته باشند که چون پسوند گیلانی نداشتند، در تذکره ها نام آنها ذکر نشده است. تعدادی از گیلانیان در هند حتی به مقامات مختلف دست یافتند.

حیاتی گیلانی

الف: نام و نشان

کمال الدین [ابو الفضل] حیاتی گیلانی، از شاعران معروف و توانای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است.^۹ حیاتی در رشت متولد شد. (فخر الزمانی، ۱۳۶۳: ۸۰۹). آغاز زندگی را در گیلان و در رشت گذراند. (صفا، ج ۵، ۱۳۶۸: ۱۰۰۷) از سال ولادت و نام پدرش در تذکره ها و کتب تراجم مطلبی یافت نشد. در اشعار به جا مانده از حیاتی نیز نشانی از اسم پدر، همسر و فرزندان حیاتی نمی یابیم. فقط شاعر در پایان مثنوی سلیمان و بلقیس، فصلی در نصیحت به فرزند پرداخته که نشان می دهد فرزندی داشته که در آن ایام زنده بوده است. در خلال غزلیات نیز گاه به ابیاتی بر می خوریم که شاعر به دوری و هجران فرزند اشاره می کند.

حیاتی در جوانی تجارت، پیشه داشت و به همین دلیل سیر خراسان و عراق می کرد. (فخر الزمانی، ۱۳۶۳: ۸۰۹) و در همین سفرها با شاعران معاشرت پیدا کرد. او در زادگاه خود با دربار خان احمد گیلانی^{۱۰} مربوط بود. در قصیده ای که چند بیت از آن در نسخه کتابخانه ملک آمده است، او را می ستاید:

به خان احمد آن تاجدار سلاطین فرستم دعاو فراوان فرستم

از دوره زندگی او در گیلان آگاهی چندانی وجود ندارد.^{۱۱} اغلب تذکره نویسان به زندگی حیاتی بعد از رفتنش به هند پرداخته اند. (لکنهوی، ۱۳۹۶ ق: ۲۱۱)

حیاتی اغلب به کاشان رفت و آمد می کرد و در آن شهر با فضلا و ادبای آن جا نشست و خاست داشت. در آن دوران بنا به نوشته تقی الدین کاشانی در زری تجار به کاشان آمد و شد داشت و با شعرای اطراف اشعار و غزلیات طرح می کرد. (کاشانی، خطی: گک ۵۳۹) شاید نزاع او با "میلی" بر اثر مسائل مطرح شده در یکی از این نشست ها باشد. سر آن جام حیاتی به امید کسب جمعیت از کاشان رخت سفر به هندوستان می بندد. درباره تاریخ سفر حیاتی گیلانی به هند، تنها در تذکره خیر البیان آمده است که در سال ۹۹۴ ق. حیاتی به هند رفت. (اویسی، ج دوم، ۱۳۸۶: ۵۲۹)

حیاتی شاعری را از اوان جوانی آغاز کرده بود. چنان که از مآثر رحیمی بر می آید؛ حیاتی برخی از اشعارش را در زمان اقامت در گیلان سروده است.^{۱۲}